

۱۹۷۳م؛ وسائل الشیعه: الحر العاملی (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۰۴ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۲ق.)

سید جعفر صادقی فدکی



### استظلال: بهره گیری احرام گزار از

سایه، از محرّمات احرام

واژه استظلال از ریشه «ظ - ل - ل» به معنای پناه بردن به سایه، به سایه در آمدن، و سایه خواستن به کار می‌رود.<sup>۱</sup> در مبحث حج منابع فقهی، استظلال یا تظلیل به عنوان یکی از محرّمات احرام<sup>\*</sup>، به گونه مستقل در مبحث پوشاندن سر<sup>\*</sup> که از دیگر محرّمات احرام است، بررسی می‌شود. کاربرد این واژه در منابع فقهی بیشتر به همان معنای لغوی است؛ اما با توجه به قیود و شرایط استظلال به منزله یکی از محرّمات احرام، این اصطلاح در فقه اسلامی معنایی خاص تر از مفهوم لغوی یافته و بیشتر مقصود از آن، بهره گیری مرد محرم از سایه آفتاب در حال حرکت وسیله حمل و نقل، مانند کجاوه و خودرو و قطار، و حتی در حال پیاده روی است.<sup>۲</sup> البته شماری از فقیهان مقصود از تظلیل و

بن علی الموسوی العاملی (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۰۴ق.)؛ مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستدرک الوسائل: النوری (م. ۱۳۲۰ق.)، بیروت، آل البيت (ع. ۱۰۴ق.)؛ المستدرک علی الصحیحین: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)، به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۰۶ق؛ مستمسک العروة الوثقی: سید محسن حکیم (م. ۱۳۹۰ق.)، قم، مکتبه النجفی، ۱۴۰۴ق؛ مستند الشیعه: احمد الزرقانی (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع. ۱۰۴ق.)؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المعتمر: المحقق الحلّی (م. ۶۷۶ق.)، مؤسسه سید الشهداء، ۱۳۶۳ش؛ معجم لغة الفقهاء: محمد قلعه جی، بیروت، دار الفنا، ۱۴۰۸ق؛ معجم الفروق اللغویه: ابوهلال العسکری (م. ۳۹۵ق.)، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العلمیه؛ مفردات: الراغب (م. ۴۲۵ق.)، به کوشش صفوان داودی، دمشق، دار القلم، ۱۴۱۲ق؛ من لا یحضره الفقیه: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ مناسک الحج: السید علی السیستانی، قم، ۱۴۱۳ق؛ مناسک الحج: الوحید الخراسانی؛ مناسک الحج: جواد التبریزی، قم، مطبعة مهر، ۱۴۱۴ق؛ مناسک الحج: محمد رضا گلپایگانی (م. ۱۴۱۴ق.)، قم، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۳ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی؛ مواهب الجلیل: الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل،

۱. الصحاح، ج ۵، ص ۱۷۵۶؛ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۱۶، ۴۱۸؛  
 القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۰، «الظل».  
 ۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۴.

هوایما و خودرو<sup>۵</sup> - سوار شود. اندکی از فقیهان امامی از جمله ابن جنید اسکافی، به سایه نرفتن را مستحب شمرده‌اند.<sup>۶</sup> پشتوانه دیدگاه مشهور، حدیث‌های پرشمار<sup>۷</sup> و معتبر است که برخی از آن‌ها صحیح قلمداد شده‌اند؛<sup>۸</sup> مانند روایت‌های راویانی چون اسماعیل بن عبدالمخالف<sup>۹</sup> و هشام بن سالم<sup>۱۰</sup> از امام صادق علیه السلام، عبدالله بن مغیره<sup>۱۱</sup> از امام کاظم علیه السلام و سعد بن سعد اشعری<sup>۱۲</sup> از امام رضا علیه السلام. شماری از آن حدیث‌ها نیز حسنه یا موثقه به شمار رفته‌اند<sup>۱۳</sup>؛ مانند روایت‌هایی که محمد بن منصور<sup>۱۴</sup> از امام صادق علیه السلام و اسحاق بن عمار<sup>۱۵</sup> و عثمان بن عیسی<sup>۱۶</sup> از امام کاظم علیه السلام گزارش کرده‌اند. در این حدیث‌ها، احرام گزاران به گونه صریح یا ضمنی از جای

استظلال را مفهومی گسترده‌تر از پناه بردن به سایه آفتاب و شامل بهره‌گیری از هرگونه مانع در برابر سرما و گرما و باد و باران و مانند این‌ها دانسته و از استظلال در شب نیز سخن به میان آورده‌اند.<sup>۱</sup> به باور آنان، معنای اصلی ریشه «ظلل» پوشاندن است<sup>۲</sup>، چنان که در برخی حدیث‌های مربوط به استظلال نیز نگاه داشتن خود از سرما و گرما و باران در میان است. (ادامه مقاله - برخی احکام جزئی استظلال)

#### ◀ حکم استظلال: فقیهان شیعه و اهل

سنت به پشتوانه ادله فقهی، به ویژه حدیث‌های حکایت‌گر سیره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام و صحابه و تابعین، حکم استظلال را یاد کرده‌اند.

#### ▼ ۱. دیدگاه فقیهان امامی: به باور بیشتر

نزدیک به همه فقیهان امامی<sup>۳</sup>، استظلالِ مُحَرَّم با تحقق شرایطی (ادامه مقاله - قیود و شرایط حرمت استظلال) جایز نیست. بر این اساس، احرام گزار نمی‌تواند بر وسیله سواری سقف‌دار مانند کجاوه و هودج<sup>۴</sup> - و حتی به باور فقیهان معاصر، وسایلی چون کشتی،

۵. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۶: المعتمد، ج ۴، ص ۲۲۳.  
 ۶. نک: مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۸۳: الدروس، ج ۱، ص ۳۷۷: ذخیره المعاد، ج ۱، ق ۳، ص ۵۹۸.  
 ۷. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۰: مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۵.  
 ۸. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۰-۴۷۳: مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵-۲۶.  
 ۹. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۱.  
 ۱۰. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۲.  
 ۱۱. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۳.  
 ۱۲. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۰-۳۱۱.  
 ۱۳. مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵-۲۷: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۵-۳۹۶.  
 ۱۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۱: التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۹.  
 ۱۵. التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۹.  
 ۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰-۳۵۱.

۱. نک: المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۰-۲۴۱.  
 ۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۴۶۱: «ظلل».  
 ۳. الانتصار، ص ۲۴۵: المراسم العلویه، ص ۱۰۶: منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۱.  
 ۴. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۸: منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۱: جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۴.

گرفتن در وسایلی مانند کجاوه و زیر سایان رفتن به هنگام حرکت نهی شده و به سیر زیر آفتاب فرمان یافته‌اند (أُضِحَ لِمَنْ أَحْرَمَتْ لَهُ).<sup>۱</sup> نیز در برخی روایت‌ها، اصرار عملی پیشوایان دین از جمله پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام بر پرهیز از استتلال در حال احرام گزارش شده است. دیگر ادله<sup>۲</sup> روایاتی هستند که از گفت‌وگوهای میان امامان شیعه عَلَيْهِمُ السَّلَام و سران مذهب حنفی گزارش داده‌اند، مانند گفت‌وگوی ابوحنیفه<sup>۳</sup> (م. ۱۵۰ق.) با امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام و مناظرات جداگانه ابویوسف<sup>۴</sup> (م. ۱۸۲ق.) و محمد بن حسن شیبانی<sup>۵</sup> (م. ۱۸۹ق.) با امام کاظم عَلَيْهِ السَّلَام. به باور شماری از فقیهان، حکمت حرمت پوشش بخش‌هایی از بدن در حال احرام، یعنی پرهیز از آسایش طلبی و تن‌آسایی، در حکم حرمت استتلال نیز وجود دارد.<sup>۶</sup>

برای استحباب پرهیز از استتلال در فقه امامی، سه حدیث را پشتوانه

۱. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۰، ۲۵۱؛ الاختصاص، ص ۱۲۰.
۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰، ۳۵۲-۳۵۳؛ التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۰.
۳. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰-۳۵۱.
۴. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۳-۴۷۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۶-۳۹۸؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۳.
۵. قرب الاسناد، ص ۳۵۹.
۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰، ۳۵۲-۳۵۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۷۶.
۷. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۶۸.
۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۱.

شمرده‌اند<sup>۷</sup>: صحیحه حلبی<sup>۸</sup>، صحیحه علی بن جعفر<sup>۹</sup> و صحیحه جمیل بن دراج<sup>۱۰</sup>. فقیهان با توجه به دلالت حدیث‌های بسیار بر حرمت استتلال، این دیدگاه را نپذیرفته و گفته‌اند: تعبیر «مَأْمُورٌ بِهَا» که در حدیث حلبی یاد شده، درباره حرمت نیز به کار می‌رود<sup>۱۱</sup> و دست کم در جواز صراحت ندارد. نیز تعبیر «وَقَدْ رَخَّصَ» در روایت جمیل، بر جواز استتلال در برخی موارد به سبب اضطرار دلالت دارد و با حکم اولی و جوب ناسازگار نیست.<sup>۱۲</sup> افزون بر این، موضوع روایت علی بن جعفر که گویا استتلال را جایز شمرده، نیز قضیه‌ای شخصی و چه بسا مربوط به اضطرار است، چنان که وجوب کفاره شاهد همین مدعا است.<sup>۱۳</sup> شماری از این حدیث‌ها را نیز از باب تقیه<sup>۱۴</sup> دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup>

## ۲. دیدگاه فقیهان مذاهب دیگر: از

میان پیشوایان مذاهب اهل سنت، مالک بن

۹. نک: ذخیره المعاد، ج ۱، ق ۳، ص ۵۹۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۴؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۲-۲۳۵.
۱۰. التهذیب، ج ۵، ص ۳۰۹.
۱۱. مسائل علی بن جعفر، ص ۲۷۳-۲۷۴.
۱۲. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۲.
۱۳. کشف اللثام، ج ۵، ص ۳۹۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۴-۳۹۵؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۴.
۱۴. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۹.
۱۵. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۵؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۴.
۱۶. جامع المدارک، ج ۲، ص ۴۱۲؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۵.

ناقدان این ادله<sup>۸</sup>، فعل پیامبر ﷺ و صحابه را دلالت گر بر وجوب ندانسته، با ضعیف شمردن سند روایت مرفوعه جابر، آن را دارای معنای استحباب دانسته‌اند. استناد به حدیث‌های ابن عمر را نیز شماری از فقیهان نپذیرفته‌اند. در فقه حنبلی، افزون بر حرمت استظلال با محمل، چند دیدگاه دیگر نیز مطرح شده است<sup>۹</sup>: ا. کراهت استظلال. برخی از شارحان فقه حنبلی، مقصود احمد بن حنبل را از کراهت، همین معنا یعنی کراهت تنزیهی، دانسته‌اند. ب. جواز استظلال بدون کراهت. ج. حرمت استظلال، اگر اندک نباشد.<sup>۱۰</sup>

در برابر، فقیهان حنفی<sup>۱۱</sup>، شافعی<sup>۱۲</sup> و زیدی<sup>۱۳</sup> استظلال در کجاوه را در شمار محرمات احرام ندانسته و بهره بردن از آن را در حال احرام تجویز کرده‌اند. از صحابه و فقیهان نخست، کسانی چون عثمان، ربیع، ثوری، ابوحنیفه (م. ۱۵۰ق.) و شافعی (م. ۲۰۴ق.) این دیدگاه را پذیرفته‌اند.<sup>۱۴</sup>

۸. المجموع، ج ۷، ص ۲۶۷-۳۵۱، ۳۵۷: نیل الاوطار، ج ۵، ص ۷۴: عون المعبود، ج ۵، ص ۲۰۲.  
 ۹. الکافی فی فقه الامام احمد، ج ۱، ص ۴۰۶: الانصاف، ج ۳، ص ۴۶۱: الفروع، ج ۳، ص ۲۷۰.  
 ۱۰. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۳.  
 ۱۱. الهدایه، ج ۱، ص ۱۳۹: بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۶: قس: تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۰.  
 ۱۲. المجموع، ج ۷، ص ۳۵۶: اعانة الطالبین، ج ۲، ص ۳۶۵.  
 ۱۳. الاحکام، ج ۱، ص ۳۰۹-۳۱۰.  
 ۱۴. الاستذکار، ج ۴، ص ۳۴: المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲: المجموع، ج ۷، ص ۳۵۶.

انس<sup>۱</sup> (م. ۱۷۹ق.) و احمد بن حنبل<sup>۲</sup> (م. ۲۴۱ق.) به حرمت استظلال با کجاوه و وسایل همانند آن باور دارند، همچنان که از صحابه و فقیهان نخستین، کسانی چون عبدالله بن عمر، عبدالرحمن بن مهدی و فقیهان مدینه این دیدگاه را داشته‌اند.<sup>۳</sup> مهم‌ترین پشتوانه باورمندان به حرمت استظلال، سیره پیامبر گرامی ﷺ و جانشینان ایشان و صحابه و تابعین است؛ زیرا آنان بدون محمل و سایبان و زیر آفتاب حج می‌گزاردند.<sup>۴</sup> نیز بر پایه روایت جابر از پیامبر گرامی ﷺ، گناهان محرمی که در پرتو آفتاب احرام بگزارد، با غروب خورشید از میان می‌رود.<sup>۵</sup> بر پایه گزارش‌هایی، عبدالله بن عمر مُحرمانی را که سایبانی برای خود برگرفته بودند، از استظلال پرهیز می‌داد و آنان را به آشکار ساختن خود در برابر آفتاب (إضحاء) سفارش می‌کرد.<sup>۶</sup> لزوم دوری از آسایش طلبی، از ادله حرمت استظلال به شمار رفته است.<sup>۷</sup>

۱. الکافی فی فقه اهل المدینه، ص ۱۵۳: التمهید، ج ۱۵، ص ۱۱۱: حلیة العلماء، ج ۳، ص ۲۴۲.  
 ۲. التمهید، ج ۱۵، ص ۱۱۱: کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۴-۴۲۵.  
 ۳. التمهید، ج ۱۵، ص ۱۱۱: المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲: المجموع، ج ۷، ص ۳۵۶.  
 ۴. المصنف، ج ۲، ص ۳۷۱: شرح العمده، ج ۳، ص ۶۴.  
 ۵. السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۰.  
 ۶. السنن الکبری، ج ۵، ص ۷۰: شرح العمده، ج ۳، ص ۶۶-۶۸.  
 ۷. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۳: کشف القناع، ج ۲، ص ۴۹۳.

باورمندان به این دیدگاه نیز به سنت نبوی و سیره صحابه استناد کرده‌اند؛ مانند روایت ام الحصین که بر پایه آن، در حجة الوداع، اسامه یا بلال با لباس ساییانی برای پیامبر ﷺ ساختند تا جمره را رمی کند.<sup>۱</sup> نیز گزارش شده که عثمان بن عفان در حال احرام در خیمه‌ای جای می‌گرفت.<sup>۲</sup> روایت‌هایی نیز درباره بهره‌گیری کسانی چون عمر بن خطاب و عمار یاسر از ساییان در حال احرام گزارش شده است. همچنین گزارش شده که ابن عباس استتلال را در حال احرام جایز می‌دانست.<sup>۳</sup> دلیل دیگر جواز استتلال آن است که بهره بردن از سایه در حال احرام هنگامی ممنوع است که چیزی پوشاننده بدن باشد و سقف کجاوه یا خیمه با بدن تماس ندارد.<sup>۴</sup> مخالفان این دیدگاه<sup>۵</sup>، حدیث‌های یاد شده از جمله حدیث ام الحصین را مربوط به حالت اضطرار و وجود عذر موجه دانسته‌اند. نیز احتمال داده‌اند که استتلال پیامبر ﷺ پس از پیاده شدن از مرکب بوده است نه در حال سواره. برخی شافعیان پرهیز از استتلال را هنگام

وقوف در عرفه، مستحب دانسته‌اند.<sup>۶</sup> در شماری از منابع فقهی حنفیان، باور به حرمت رفتن زیر خیمه و مانند آن، به مالک نسبت یافته است.<sup>۷</sup> در منابع فقه مالکی، این دیدگاه به چشم نمی‌خورد.

#### ❖ قیود و شرایط حرمت استتلال:

فقیهانی که به حرمت استتلال باور دارند، قیود و شرایطی برای این حکم یاد کرده‌اند که مهم‌ترین موارد آن‌ها عبارتند از:

❖ ۱. مرد بودن احرام‌گزار: به باور همه فقیهان امامی<sup>۸</sup>، به پشتوانه روایات از جمله صحیح حریز<sup>۹</sup>، صحیح محمد بن مسلم<sup>۱۰</sup> و صحیح حلبی<sup>۱۱</sup>، استتلال برای احرام‌گزار زن حرام نیست. توانایی جسمی کمتر و دشواری پرهیز زنان از استتلال، از حکمت‌های این حکم است.<sup>۱۲</sup> شیخ طوسی خودداری زنان از استتلال را مستحب شمرده است.<sup>۱۳</sup> همچنین فقیهان امامی کودکان را از شمول حکم حرمت استتلال بیرون می‌دانند.<sup>۱۴</sup> دلیل آن‌ها افزون بر

۶. المجموع، ج ۸، ص ۱۱۷؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۹۷.

۷. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ الهدایه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۳؛ ذخیره المعاد، ج ۱، ق ۳، ص ۵۹۸؛

جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۵.

۹. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۱.

۱۰. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۲.

۱۱. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۲.

۱۲. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۵.

۱۳. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۱.

۱۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۳؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۵.

۱. مسند احمد، ج ۶ ص ۴۰۲؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۸۰.

۲. المصنف، ج ۴، ص ۳۸۵؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۰۳.

۳. نک: المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲،

ص ۱۸۶.

۴. المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۱۲۹؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۸۶؛

الهدایه، ج ۱، ص ۱۳۹.

۵. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۱؛ شرح العمده، ج ۳، ص ۷۱-۷۲، ۷۶.

گرمای آفتاب یا بارش باران و بعضی<sup>۷</sup> زیان بزرگ را مصداق این اضطراب دانسته‌اند. شماری دیگر به پشتوانه برخی حدیث‌ها، مصادیقی خاص برای آن برشمرده‌اند<sup>۸</sup>، مانند کهنسالی، گرما و سرما. بیشتر فقیهان نه دشواری سخت را تا اندازه‌ای که مشمول ادله نفی حرج شود، لازم می‌شمردند و نه آزار دیدن از ترک استظلال را کافی می‌شمارند، بلکه بر آنند که حدی متوسط از دشواری اضطراب لازم است.<sup>۹</sup>

### ۳. در حال حرکت بودن احرام‌گزار:

به باور مشهور فقیهان شیعه<sup>۱۰</sup> و اهل سنت<sup>۱۱</sup>، حرمت استظلال به حالتی اختصاص دارد که احرام‌گزار بر مرکبی مانند حیوان، خودرو، قطار و هواپیما سوار باشد یا پیاده حرکت کند. بر این اساس، در منزلگاه‌ها مانند کاروانسرا و خیمه‌گاه و زیر درخت، استظلال ممنوع نیست. به باور فقیهان اهل سنت<sup>۱۲</sup> حدیث‌هایی مانند روایت جابر درباره حج پیامبر گرامی ﷺ

حدیث‌های نقل شده مانند صحیحہ حریز، آن است که کودکان مشمول احکام الزامی نیستند و رعایت احکام الزامی حج از جمله محرمات احرام، برای آنان مستحب است، نه واجب.<sup>۱</sup> بیشتر باورمندان به حرمت استظلال در فقه اهل سنت، به صراحت زنان را از شمول این حکم استثنا نکرده‌اند. البته آن‌ها معمولاً حرمت استظلال را در موضوع حرمت پوشش سر برای مردان مطرح کرده‌اند. از همین روی و نیز با توجه به تصریح پاره‌ای از منابع ایشان به ممنوع نبودن استظلال برای زنان، می‌توان اهل سنت را نیز معتقد به این شرط دانست.<sup>۲</sup>

### ۲. نبود اضطراب: هرگاه احرام‌گزار به

سبب بیماری یا ناتوانی نیازمند استظلال باشد، به باور همه فقیهان شیعه<sup>۳</sup> و اهل سنت<sup>۴</sup> این کار وی جایز است. فقیهان امامی به حدیث‌هایی استناد کرده‌اند<sup>۵</sup>؛ اما درباره گستره و میزان اضطرابی که موجب جواز استظلال می‌شود، اتفاق نظر ندارند. برخی<sup>۶</sup> دشواری اندک مانند

۱. نک: تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۶؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵.
۲. نک: مختصر اختلاف العلماء، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۸.
۳. المراسم العلویه، ص ۱۰۶؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۲۱؛ الدروس، ج ۱، ص ۳۷۷.
۴. الحجّه، ج ۲، ص ۲۷۰؛ شرح العمده، ج ۳، ص ۷۶.
۵. نک: مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴-۳۶؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۴۱۲.
۶. ذخیره المعاد، ج ۱، ق ۳، ص ۵۹۸.

۷. المقنعه، ص ۴۳۲؛ السرائر، ج ۱، ص ۵۴۷.
۸. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۲۴۵؛ کشف النام، ج ۵، ص ۳۹۹.
۹. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۹۸-۳۹۹؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵.
۱۰. السرائر، ج ۱، ص ۵۴۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۶؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۶.
۱۱. مختصر اختلاف العلماء، ج ۲، ص ۱۱۰؛ التمهید، ج ۱۵، ص ۱۱۱؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۱۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۸۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵.

و به باور فقیهان امامی<sup>۱</sup>، افزون بر اصل برائت، حدیث‌هایی چون روایت جعفر بن مثنیٰ از امام کاظم علیه السلام<sup>۲</sup> که برخی از ویژگی‌های حج پیامبر صلی الله علیه و آله را در بر دارد، بر این حکم دلالت می‌کنند. البته فقیهان درباره پاره‌ای از مصداق‌های منزلگاه اختلاف نظر دارند. مثلاً شماری از فقیهان<sup>۳</sup> شهر مکه را منزلگاه و استتلال را در آن جایز دانسته‌اند و شماری دیگر<sup>۴</sup> در مسیر مسجدالحرام تا نزدیک آن، استتلال را روا نشمرده‌اند.

شماری از فقیهان امامی حرکت با پای پیاده را از شمول حرمت استتلال بیرون دانسته و استتلال را در این فرض مجاز به شمار آورده‌اند.<sup>۵</sup> از جمله پشتوانه‌های آنان، صحیح محمد بن اسماعیل بن بزیع<sup>۶</sup> از امام رضا علیه السلام است که بر جواز راه رفتن در سایه محمل دلالت دارد و نیز روایت احتجاج<sup>۷</sup>. بیشتر فقیهان با این دیدگاه مخالفت کرده‌اند؛ زیرا تعبیر حدیث‌ها عام هستند و واژگانی چون

«مُحَرَّم» و «سائر» را در بر دارند که شامل پیادگان نیز می‌شوند. حدیث‌هایی که در آن‌ها واژه «راکب» آمده، تنها از باب ذکر مورد است و بر اختصاص دلالت ندارد.<sup>۸</sup> برخی حدیث‌ها مانند روایت احتجاج نیز از لحاظ سند، ضعیف قلمداد شده‌اند.<sup>۹</sup> در منابع مهم اهل سنت<sup>۱۰</sup> نیز تمایزی میان حکم استتلال در دو حالت سواره و پیاده هنگام حرکت به چشم نمی‌خورد؛ هر چند در پاره‌ای منابع<sup>۱۱</sup> تمایز میان حکم این دو حالت به صراحت آمده است.

۴. متحرک بودن سایه: شرط دیگر حرمت استتلال آن است که سایه و سایبان با شخص احرام‌گزار در حال حرکت، همراه باشد. بر این اساس، عبور وی از زیر سایه اشیای ثابت، مانند کوه‌ها، بناها، دیوارها و درختان جایز است. این شرط به صراحت در حدیث‌ها و بیشتر منابع فقهی مطرح نشده؛ اما از فحواي سخن آن‌ها قابل دریافت است و شماری از فقیهان شیعه<sup>۱۲</sup> و اهل سنت<sup>۱۳</sup> بدان

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۰-۳۴۱؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۳.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۰.

۳. المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۲-۲۴۳.

۴. المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۲.

۵. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۲-۴۰۳.

۶. الکافی، ج ۴، ص ۲۵۱.

۷. الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۶۸.

۸. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۳؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۲۶.

۹. المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۷.

۱۰. نک: مختصر اختلاف العلماء، ج ۲، ص ۱۱۰؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۷؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳.

۱۱. فتح العزیز، ج ۷، ص ۴۳۳-۴۳۴.

۱۲. مجمع الفائدة، ج ۶، ص ۳۲۱؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۸.

۱۳. الکافی فی فقه الامام احمد، ج ۱، ص ۴۰۷؛ شرح العمده، ج ۳، ص ۷۲، ۷۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵.

روز.<sup>۸</sup> برای فرد مختار، به ازای هر روز یک گوسفند و برای مضطر، در مجموع یک گوسفند.<sup>۹</sup> تخیر میان ذبح گوسفند و سه روز و اطعام شش مسکین. این سخن به ابن ابی عقیل عمانی (م. حدود ۳۵۰ق.) نسبت یافته است.<sup>۱۰</sup> حدیثی که بر کفاره ذبح شتر دلالت دارد، به معنای استحباب دانسته شده<sup>۱۱</sup> یا ناپذیرفتنی به شمار رفته است.<sup>۱۲</sup>

در منابع فقهی امامیان، از این موضوع سخن رفته که آیا در صورت تکرار استتلال، کفاره نیز متعدد می‌شود یا نه. شماری از فقیهان بر آنند که از روایات می‌توان دریافت که یک کفاره کافی است.<sup>۱۳</sup> در عمره همراه حج، بیشتر فقیهان برای هر احرام کفاره‌ای را واجب دانسته‌اند.<sup>۱۴</sup>

فقیهان مالکی و حنبلی که به حرمت استتلال باور دارند، درباره وجوب کفاره دیدگاهی همسان ندارند. در فقه حنبلی سه دیدگاه دیده می‌شود<sup>۱۵</sup>: ۱. وجوب فدیة. ۲. واجب نبودن فدیة. ۳. وجوب فدیة، اگر

تصریح کرده‌اند. به باور شماری از فقیهان<sup>۱</sup>، با توجه به آن که عبور حج گزار از زیر سایه‌های ثابت، فراوان پیش می‌آید، منع نشدن از آن در روایات، بیانگر جواز آن است. با وجود این، شماری از فقیهان امامی عبور از زیر سایه‌های ثابت را تنها در حالت اضطرار مجاز دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

◀ **کفاره استتلال:** به باور فقیهان امامی، استتلال مُحَرَّم، خواه به گونه اختیاری و خواه در موارد اضطرار، موجب پرداخت کفاره (فدیة) می‌شود.<sup>۳</sup> پشتوانه این حکم، روایاتی از جمله صحیحہ علی بن جعفر<sup>۴</sup>، حدیث عبدالله بن مغیره<sup>۵</sup> و حدیث ابراهیم بن ابی محمود<sup>۶</sup> به ترتیب از امام صادق، امام کاظم و امام رضا علیهم‌السلام است. به باور مشهور فقیهان امامی<sup>۷</sup>، کفاره استتلال قربانی کردن یک گوسفند است که حدیث‌های گوناگون بر آن دلالت دارند. افزون بر این، سخنانی دیگر نیز در فقه امامی، به پشتوانه روایات، درباره کفاره استتلال به میان آمده‌اند، از جمله: ۱. یک مُدّ طعام برای هر

۸. المقنع، ص ۲۲۴.  
 ۹. الکافی فی الفقه، ص ۲۰۴؛ غنیة النزوع، ص ۱۶۷.  
 ۱۰. نک: الدروس، ج ۱، ص ۳۷۸.  
 ۱۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۱؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۶.  
 ۱۲. المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۶.  
 ۱۳. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۴۸۶؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۶-۲۴۷.  
 ۱۴. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۱؛ جواهر الکلام، ج ۲۰، ص ۴۱۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۷.  
 ۱۵. الانصاف، ج ۳، ص ۴۶۲؛ الفروع، ج ۳، ص ۲۷۰.

۱. المعتمد، ج ۴، ص ۲۲۸-۲۳۹.  
 ۲. کشف اللثام، ج ۵، ص ۴۰۲-۴۰۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۳-۴۰۴.  
 ۳. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۶.  
 ۴. مسائل علی بن جعفر، ص ۲۷۳-۲۷۴.  
 ۵. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۳.  
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۱.  
 ۷. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۳۵۸؛ الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۷۹-۴۸۰؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۶.



استظلال اندک نباشد. در فقه مالکی نیز درباره کفاره استظلال با محمل و وسایل همانند، دو دیدگاه در میان است<sup>۱</sup>: وجوب فدیة و استحباب آن. این اختلاف دیدگاه درباره مورد کفاره مصداق‌های دیگر استظلال نیز به چشم می‌خورد.<sup>۲</sup> نزد فقیهان حنبلی و مالکی، فدیة استظلال یکی از این سه به گونه تخییری است: ۱. ذبح یک گوسفند و صدقه دادن آن. ۲. سه روز روزه گرفتن. ۳. اطعام شش مسکین.<sup>۳</sup>

#### ◀ برخی احکام جزئی استظلال: در

منابع فقهی، احکام جزئی دیگر درباره استظلال آمده که مهم‌ترین موارد آن عبارتند از:

#### ▼ ۱. شرط بالای سر بودن مانع: شماری

از فقیهان امامی<sup>۴</sup> استظلال را هنگامی ممنوع دانسته‌اند که مانع تابش خورشید، بر فراز سرِ احرام‌گزار باشد. بر این اساس، بهره‌گیری مُحرم از سایه جانبی محمل یا جامه‌ای که بر عصا یا درخت یا چوبی نهاده شده باشد، بدین شرط که این چیزها بالای سر او نباشند، جایز

۱. الکافی فی فقه اهل المدینه، ص ۱۵۲؛ مختصر خلیل، ص ۸۱؛

الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۷.

۲. نک: الانصاف، ج ۳، ص ۴۶۲-۴۶۳؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۹.

۳. القوانین الفقهیه، ص ۹۲-۹۳؛ الانصاف، ج ۳، ص ۵۰۷.

۴. الخلاف، ج ۲، ص ۳۱۸؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۶۴.

به شمار رفته است.<sup>۵</sup> از پشتوانه‌های این حکم، صحیح ابن سنان است که به باور مخالفان دیدگاه یاد شده، بر مدعا دلالت ندارد.<sup>۶</sup> از این رو، شماری از فقیهان این دیدگاه را قاطعانه نپذیرفته<sup>۷</sup> و شماری دیگر از باب احتیاط بدان ملتزم نشده‌اند.<sup>۸</sup> شهید اول<sup>۹</sup> پذیرش شرط یاد شده برای حرمت استظلال را بر پایه این سؤال دانسته است: آیا علت تحریم استظلال، پرهیز از پوشیده شدن بدن (ستر) است یا تابش نور خورشید (اضحاء)؟ بیشتر فقیهان دوران بعد<sup>۱۰</sup> به پشتوانه روایات، حکمت یا علت حرمت را جلوگیری نکردن از آفتاب دانسته و شرط بالای سر بودن مانع را نپذیرفته‌اند. البته شماری از فقیهان بهره‌گیری از سایه بیرونی محمل را به دلیل نص خاص، جایز شمرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

شماری از فقیهان اهل سنت، خواه مالکی<sup>۱۲</sup> و خواه حنبلی<sup>۱۳</sup> نیز به گونه ضمنی چنین شرطی را

۵. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۲۶.

۶. المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۷. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۶-۴۸۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۷-۲۳۸.

۸. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۸۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۰-۴۰۱.

۹. الدروس، ج ۱، ص ۳۷۸-۳۷۹.

۱۰. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۵-۴۸۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۰۲.

۱۱. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۴-۴۸۵؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۱۲. التاج والاکلیل، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۵۶-۵۷.

۱۳. الکافی فی فقه الامام احمد، ج ۱، ص ۴۰۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۸۵.

با دست دلالت دارد، دارای معنای کراهت دانسته‌اند.<sup>۶</sup> در حدیث‌های اهل سنت<sup>۷</sup> و فقیهان مالکی<sup>۸</sup> و حنبلی<sup>۹</sup> استظلال با دست برای احرام گزار روا شمرده شده است. نیز در منابع فقهی، از دیگر مصداق‌های همانند برای استظلال سخن رفته است.<sup>۱۰</sup>

▼ **۳. استظلال در شب:** فقیهان متأخر امامی به این نکته نیز پرداخته‌اند که آیا حرمت استظلال، ویژه روز است یا در شب نیز جاری است. شماری از فقیهان به پشتوانه ادله‌ای، رعایت این حکم را در شب نیز واجب دانسته‌اند<sup>۱۱</sup>؛ از جمله حدیث‌هایی که درباره محافظت از سرما و گرما و باران سخن به میان آورده است.<sup>۱۲</sup> نیز استدلال نموده‌اند که مفهوم اصلی استظلال، پنهان ساختن و پوشاندن است و به محافظت از نور خورشید اختصاص ندارد. در برابر، مخالفان بر آنند که استظلال تنها با وجود نور خورشید مفهوم دارد و فقیهان پیشین نیز از حرمت آن در شب سخن نگفته‌اند.<sup>۱۳</sup>

۶. الحدائق، ج ۱۵، ص ۴۸۷؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۳۹-۲۴۰.

۷. المصنف، ج ۳، ص ۲۸۶.

۸. التاج و الاکلیل، ج ۳، ص ۱۴۲.

۹. شرح العمده، ج ۳، ص ۷۰؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵.

۱۰. نک: شرح العمده، ج ۳، ص ۷۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵؛

مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۸.

۱۱. جامع المدارک، ج ۲، ص ۴۱۲؛ المعتمد، ج ۴، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۱۲. برای نمونه: الکافی، ج ۴، ص ۳۵۱-۳۵۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱۳،

ص ۱۵۴-۱۵۶.

۱۳. کتاب الحج، گلپایگانی، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۲۲.

برای حرمت استظلال به میان آورده و مصداق‌هایی از استظلال را مانند بهره‌گیری از سایه جانبی محمل یا لباسی که بر فراز چوب یا عصا قرار گرفته، حرام ندانسته‌اند. از پشتوانه‌های این حکم، روایت ام‌المؤمنین درباره حج پیامبر ﷺ است.<sup>۱</sup> مخالفان این دیدگاه، بهره‌گیری از هرگونه مانع آفتاب را مصداق استظلال ممنوع شمرده و به روایت‌هایی چون حدیث ابن عمر استناد جسته‌اند.<sup>۲</sup> حدیث‌ها و منابع فقهی اهل سنت به مواردی دیگر از استظلال بدون شرط یاد شده، مانند بهره‌گیری از سایه لباسی که بر محمل انداخته شده یا شخصی دیگر آن را نگاه داشته، نیز پرداخته‌اند.<sup>۳</sup>

▼ **۲. سایه اعضای بدن:** به تصریح شماری از فقیهان امامی، به پشتوانه حدیث‌هایی چند، جلوگیری از تابش نور خورشید با اعضای بدن، برای محرم جایز است.<sup>۴</sup> حتی در حدیثی این کار، سیره پیامبر گرامی ﷺ در هنگام حج گزاردن قلمداد شده است.<sup>۵</sup> این فقیهان صحیح‌ه سعید اعرج را که بر نهی از پوشاندن

۱. الکافی فی فقه الامام احمد، ج ۱، ص ۴۰۶؛ المغنی، ج ۳،

ص ۲۸۵؛ منار السبیل، ج ۱، ص ۲۳۶؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵.

۲. شرح العمده، ج ۳، ص ۷۷.

۳. نک: المصنف، ج ۳، ص ۲۸۶؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۸۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۲۵.

۴. منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۰؛ مجمع الفوائد، ج ۶، ص ۳۲۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳.

۵. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۰.

▼ ۴. حکم استظلال همراه: از مسائل

استظلال، تکلیف مُحرمی است که با زن احرام گزار یا شخص بیمار یا مضطر همراه می شود که استظلال برای او جایز است. این مسئله مورد ابتلا است و از این رو در روایات و منابع فقهی بدان پرداخته شده است. به باور همه فقیهان امامی، به اقتضای اصل اشتغال و نیز به پشتوانه حدیث‌هایی چون روایت بکر بن صالح<sup>۱</sup>، استظلال برای شخص همراه حرام است.<sup>۲</sup> از نظر آنان، روایت عباس بن معروف<sup>۳</sup> که جواز استظلال برای شخص همراه را به ذهن می‌رساند، به لحاظ سند مخدوش و دلالت آن بر جواز، مناقشه‌پذیر و حتی مردود است.<sup>۴</sup> فقیهان اهل سنت کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. دیدگاه مالکیان درباره کسی که زنی احرام گزار را در مرکب همراهی کند، آن است که استظلال بر او، بر خلاف زن، حرام است.<sup>۵</sup> پاره‌ای از منابع پیشین حنفی، اعتقاد به جواز را به مالک و فقیهان مدینه نسبت داده‌اند.<sup>۶</sup>

◀ منابع

الاحتجاج: ابومنصور الطبرسی (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش سید محمد باقر، نجف، دار النعمان، ۱۳۸۶ق؛ الاحکام فی الحلال و الحرام: یحیی بن حسین (م. ۲۹۸ق.)، به کوشش علی بن احمد، ۱۴۱۰ق؛ الاختصاص: المفید (م. ۴۱۳ق.)، به کوشش غفاری و زرنی، بیروت، دار المفید، ۱۴۱۴ق؛ الاستبصار: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق؛ الاستذکار: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش سالم محمد و محمد علی، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م؛ اعانة الطالبین: السید البکری الدمیاطی (م. ۱۳۱۰ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۸ق؛ الانتصار: السید المرتضی (م. ۴۳۶ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ق؛ الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف: المرادوی (م. ۸۸۵ق.)، به کوشش محمد حامد، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ بدائع الصنائع: علاء الدین الکاسانی (م. ۵۸۷ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۹۸۲م؛ التاج و الاکلیل: محمد بن یوسف العبدری (م. ۸۹۷ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸ق؛ تحریر الوسیله: امام خمینی رحمته الله (م. ۱۳۶۸ش.)، نجف، مطبعة الآداب، ۱۳۹۰ق؛ تذکرة الفقهاء: العلامة الحلّی (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البیت رحمته الله، ۱۴۱۶ق؛ التمهید: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، مغرب، وزارة الاوقاف، ۱۳۸۷ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش؛ جامع المدارک: سید احمد الخوانساری (م. ۱۴۰۵ق.)، به کوشش غفاری، تهران، مکتبة الصدوق، ۱۴۰۵ق؛ جامع المقاصد: الکرکی (م. ۹۴۰ق.)، قم، آل البیت رحمته الله، ۱۴۱۱ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ق.)، تهران، دار الکتب

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۵۲.

۲. المبسوط، طوسی، ج ۱، ص ۳۲۱؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۵-۳۶۶.

۳. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲.

۴. التهذیب، ج ۵، ص ۳۱۱-۳۱۲؛ منتهی المطلب، ج ۲، ص ۷۹۲؛

مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۳۶۵-۳۶۶؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶.

۵. التاج و الاکلیل، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۸.

۶. الحجه، ج ۲، ص ۲۷۲؛ مختصر اختلاف العلماء، ج ۲، ص ۱۱۰.

(م.١١٧ق.)، بيروت، دار العلم؛ قرب الاسناد: الحميري (م.قرن ٣ق.)، قم، آل البيت عليه السلام، ١٤١٣ق؛ القوانين الفقهية: محمد بن جزى الغرناطى (م.٧٦٣ق.)؛ الكافي فى الفقه: ابوالصلاح الحلبي (م.٤٤٧ق.)، به كوشش استادى، اصفهان، مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، ١٤٠٣ق؛ الكافي فى فقه الامام احمد بن حنبل: عبدالله بن قدامه (م.٦٢٠ق.)، به كوشش زهير الشاويش، بيروت، المكتب الاسلامى، ١٤٠٨ق؛ الكافي فى فقه اهل المدينة المالكي: القرطبي (م.٤٦٣ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٠٧ق؛ الكافي: الكليني (م.٣٢٩ق.)، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٣ش؛ الكامل فى التاريخ: ابن اثير على بن محمد الجزرى (م.٦٣٠ق.)، بيروت، دار صادر - دار بيروت، ١٣٨٦ق؛ كتاب الحج: تقرير بحث الغلپايگانى، الصابرى، قم، الخيام، ١٤٠٠ق؛ كشاف القناع: منصور البهوتى (م.١٠٥١ق.)، به كوشش هلال مصيلحي، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ كشف اللثام: الفاضل الهندى (م.١١٣٧ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق؛ لسان العرب: ابن منظور (م.٧١١ق.)، قم، ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ المبسوط فى فقه الاماميه: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، به كوشش بهبودى، تهران، المكتبة المرتضويه؛ المبسوط: السرخسى (م.٤٨٣ق.)، بيروت، دار المعرفه؛ مجمع الفائدة و البرهان: المحقق الاردبيلى (م.٩٩٣ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٦ق؛ المجموع شرح المهذب: النووى (م.٦٧٧ق.)، بيروت، دار الفكر؛ مختصر اختلاف العلماء: احمد بن محمد طحاوى (م.قرن ٤ق.)، به كوشش عبدالله نذير، بيروت، دار الشعائر الاسلاميه، ١٤١٧ق؛ مختصر خليل: خليل بن اسحاق مالكي (م.قرن ٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ مختلف الشيعه: العلامة الحلبي (م.٧٢٦ق.)، قم،

الاسلاميه، ١٣٦٧ش؛ الحجّه: محمد بن حسن شيبانى (م.قرن ٢ق.)، بيروت، عالم الكتب، ١٤٠٣ق؛ الحدائق الناصره: يوسف البحرانى (م.١١٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤٠٩ق؛ حلية العلماء: محمد بن احمد قفال شاشى (م.٥٠٧ق.)، بيروت - عمان، الرساله - دار الارقم، ١٤٠٠ق؛ الخلاف: الطوسى (م.٤٦٠ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٧ق؛ الدروس الشرعيه: الشهيد الاول (م.٧٨٦ق.)، قم، نشر اسلامى، ١٤١٤ق؛ ذخيرة المعاد: محمد باقر السبزواري (م.١٠٩٠ق.)، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام؛ الروضة البهيه: الشهيد الثانى (م.٩٦٥ق.)، به كوشش كلانتر، قم، داورى، ١٤١٠ق؛ السرائر: ابن ادريس (م.٥٩٨ق.)، قم، النشر الاسلامى، ١٤١١ق؛ السنن الكبرى: البيهقى (م.٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر؛ شرائع الاسلام: المحقق الحلبي (م.٦٧٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازى، قم، دار الايمان، ١٤٠٩ق؛ شرح العمده: ابن تيميه حرانى (م.٧٢٨ق.)، رياض، مكتبة العبيكان، ١٤١٣ق؛ الشرح الكبير: ابوالبركات (م.١٢٠١ق.)، مصر، دار احياء الكتب العربيه؛ الصحاح: الجوهري (م.٣٩٣ق.)، به كوشش العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ صحيح مسلم: مسلم (م.٢٦١ق.)، بيروت، دار الفكر؛ عون المعبود: العظيم آبادى (م.١٣٢٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام: الصدوق (م.٣٨١ق.)، بيروت، اعلمى، ١٤٠٤ق؛ غنية النزوع: الحلبي (م.٥٨٥ق.)، به كوشش ابراهيم بهادري، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٤١٧ق؛ فتح العزيز: عبدالكريم بن محمد الرافعى (م.٦٢٣ق.)، بيروت، دار الفكر؛ القروع: محمد بن مفلح المقدسى (م.٧٦٣ق.)، به كوشش القاضى، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ القاموس المحيط: الفيروزآبادى

نشر اسلامی، ۱۴۱۲ق؛ مدارک الاحکام: محمد بن علی العاملی (م. ۱۰۰۹ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۰ق؛ المراسم العلویه: سلار حمزة بن عبدالعزيز (م. ۱۴۴۸ق.)، به کوشش حسینی، قم، المجمع العالمی لاهل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ مسائل علی بن جعفر: علی بن جعفر (م. قرن ۲ق.)، کنگره جهانی امام رضا (ع)، ۱۴۰۹ق؛ مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام: الشهيد الثاني (م. ۹۶۵ق.)، قم، معارف اسلامی، ۱۴۱۶ق؛ مستند الشیعه: احمد النراقی (م. ۱۲۴۵ق.)، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۱۹ق؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ المصنّف: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبة الرشد، ۱۴۰۹ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: محاضرات الخوئی (م. ۱۴۱۳ق.)، الخلیالی، قم، مدرسه دار العلم، ۱۴۰۹ق؛ معجم مقاییس اللغه: ابن فارس (م. ۳۹۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، قم، دفتر تبلیغات، ۱۴۰۴ق؛ مغنی المحتاج: محمد الشریبئی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۶۰ق.)، بیروت، دار الكتاب العربی؛ المقنع: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، ۱۴۱۵ق؛ المقنعه: المفید (م. ۴۱۳ق.)، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ منار السبیل: ابراهیم بن محمد بن ضویان (م. ۱۳۵۳ق.)، به کوشش عصام قلعه جی، ریاض، مکتبة المعارف، ۱۴۰۵ق؛ منتهی المطلب: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، چاپ سنگی، ۱۳۳۳ق؛ مواهب الجلیل: الخطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ نیل الاوطار: الشوکانی (م. ۱۲۵۵ق.)، بیروت، دار الجیل، ۱۹۷۳م؛ وسائل الشیعه: الحرّ العاملی (م. ۱۱۰۴ق.)، قم،

آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق؛ الهدایة شرح بدایة المبتدی: علی بن ابوبکر المرغینانی (م. ۵۹۳ق.)، بیروت، المکتبة الاسلامیه.

سید رضا هاشمی



### استغفار: آمرزش خواهی از خداوند، از

#### مستحبات مؤکد در مناسک حج و عمره

استغفار از ریشه «غ - ف - ر» به معنای ستر و پرده ضخیم است که پوشش کامل ایجاد کند.<sup>۱</sup> مغفرت به معنای پوشاندن گناه آمده است، به گونه‌ای که آمرزیده شده، از عذاب نگاه داشته شود و شایسته پاداش گردد. از این رو، گفته‌اند: مغفرت فقط از آن خدا است و جز او تنها می‌تواند عفو کند.<sup>۲</sup> استغفار به معنای درخواست آمرزش، پوشاندن گناه، نگاه داشته شدن از عذاب و خواری، و شایستگی برای بهره‌مندی از پاداش‌های الهی است.<sup>۳</sup> در متون روایی همراه استغفار زبانی، به توبه و بازگشت از گناه نیز سفارش شده است.<sup>۴</sup> از همین روی، برخی شرط تحقق استغفار را همراهی آن با توبه از گناه<sup>۵</sup> و دوری

۱. العین، ج ۴، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ معجم مقاییس اللغه، ج ۴، ص ۳۸۵؛ الصحاح، ج ۲، ص ۷۷۰، «غفر».  
 ۲. معجم الفروق اللغویه، ص ۳۶۳.  
 ۳. معجم الفروق اللغویه، ص ۳۸۷.  
 ۴. التفسیر الکبیر، ج ۵، ص ۱۹۹.  
 ۵. النبیان، ج ۹، ص ۳۲۱.